

دادگاه در مقام رسیدگی به دعوا چگونه به اصلت سند رسیدگی می‌کند؟

پاسخ: سند از جمله مهمترین ادله اثبات دعوی در امور مدنی محسوب می‌شود و به همین دلیل باید اصل بودن آن از سوی دادگاه باثبات برسد تا افراد به ارائه اسناد جعلی به محاکم اقدام نکنند؛ اما ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی در تعریف سند بیان می‌کند که «سند عبارت است از هر نوشته‌ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.» طبق این تعریف، دو عنصر «نوشته بودن» و «قابل استناد بودن در مقام دعوی و دفاع» از ارکان متشکله سند محسوب می‌شود. سند به دو دسته عادی و رسمی تقسیم می‌شود و حسب موضوع، این اسناد از اعتبار متفاوت برخوردارند. اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر ماموران رسمی در حدود صلاحیت آنها بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند، رسمی است. سند رسمی توسط مأمور رسمی در حدود صلاحیت در تنظیم سند و با رعایت مقررات قانونی تنظیم می‌شود که با حصول رعایت این ۳ شرط که از ارکان متشکله سند رسمی است، قانون گذار اعتبار خاصی برای آن قائل شده و انکار یا تردید علیه آن را مسموع ندانسته است و اصل صحت را بر آن لازم‌الاتباع می‌داند. مگر آنکه علیه آن ادعای جعل شود.

تطبیق مفاد سند با اسناد و دلایل دیگر: برای تشخیص اصلت سند از این راه به سند یا دلیل دیگری توجه می‌شود که مفاد سند مورد تعرض را تأیید می‌کند. بدین معنا که دادگاه می‌تواند عدم تعارض را با اسناد دیگری که آن را تأیید می‌کند، مطابقت داده و نیز شکل امضای ذیل سند را با سند مورد تعرض انطباق دهد.

اسناد عادی در دو مورد اعتبار سند رسمی را دارند:

۱- طرفی که سند علیه او اقامه شده است، صدور آن از منسب الیه را تصدیق کند.

۲- در محکمه ثابت شود که طرفی که سند را تکذیب کرده، در واقع مهر یا امضا کرده است. پس از انکار و تردید یا ادعای جعل نسبت به سند و ارائه اصول و اسناد و صدور قرار رسیدگی به اصلت آن، دادگاه رسیدگی را برای تشخیص اصلت سند آغاز می‌کند که راه‌های رسیدگی به اصلت سند در مواد ۲۲۳، ۲۲۴ و ۲۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی شده است و در این خصوص تفاوتی بین نوع تعرض وجود ندارد.

تحقیق از گواهان و مطلعان تنظیم سند یا مطلعات ذیل سند: دادگاه در این راه به شکل امضا یا مهر سند و مطابقت آن با امضا و مهر منتسب الیه توجه نمی‌کند، بلکه به این توجه می‌کند که آیا گواهان شاهد و ناظر بر تنظیم سند و امضا یا مهر توسط منتسب الیه بوده‌اند یا خیر.

ارجاع به کارشناس رسمی: دادگاه موظف است در صورت ضرورت با دقت در سند، تطبیق خط، امضا، اثر انگشت یا هر سند را به کارشناس رسمی یا اداره تشخیص هویت پلیس که مورد وثوق دادگاه باشد، ارجاع دهد. بدیهی است زمانی که ارجاع به کارشناس ضرورت پیدا می‌کند هر چند که تبعیت از آن اجباری نیست اما دادگاه باید اقدام خود را در رد نظر کارشناسی توجیه کند. ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی اختیار دادگاه را مشروط می‌کند و بیان می‌دارد: در صورتی که نظر کارشناسی با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد؛ بنابراین دادگاه نمی‌تواند بی‌دلیل نظر کارشناسی را نادیده بگیرد.

تفاوت ادعای جعل با انکار و تردید:

۱- از لحاظ نوع سند: ادعای جعل می‌تواند نسبت به اسناد رسمی یا غیررسمی به عمل آید اما انکار و تردید نسبت به اسناد رسمی و اسنادی که اعتبار رسمی دارند، مسموع نخواهد بود.

۲- تکلیف اثباتی: اثبات انکار و تردید از سوی اظهار کننده لازم نیست و وی را با تکلیف مواجه نمی‌سازد اما جعل ادعا است و باید با دلیل اثبات شود.

۳- ارائه دلیل جعلیت و زمان آن طبق ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی، ادعای جعلیت باید با ذکر دلیل و در زمان مقرر اقامه شود، اما در انکار و تردید به صرف اظهار، انکار یا تردید نسبت به سند کفایت می‌کند و ارائه دهنده باید اصلت آن را اثبات کند.

۴- ابلاغ ادعای جعل و تکلیف تسلیم اصل سند در موعده قانونی: در صورت انکار و تردید، اصل سند باید در همان جلسه به دادگاه ارائه شود و در غیر این صورت از عداد دلایل خارج خواهد شد اما در ادعای جعل چنین نیست. مطابق ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی، ادعای جعلیت و دلایل آن به دستور دادگاه باید به طرف مقابل ابلاغ شود که چنانچه به استفاده از سند باقی باشد، باید

ظرف ۱۰ روز اصل سند موضوع ادعای جعل را به دادگاه تسلیم کند. چنانچه صاحب سند در موعد مقرر از تسلیم آن به دفتر دادگاه خودداری کند، سند از عداد دلایل خارج خواهد شد.

استکتاب: چنانچه سند یا خط یا امضا اطمینان بخشی از منکر در دسترس نباشد، ماده ۲۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی به استناد کننده حق اختیار داده است که از او درخواست کتابت کند، یعنی منکر را برای نوشتن یا امضا کردن سندی مشابه به دادگاه فراخواند. ماده ۲۲۴ بیان می‌دارد، می‌توان کسی را که خط یا مهر یا امضا یا اثر انگشت منعکس در سند به او نسبت داده شده است، اگر در حال حیات باشد، برای استکتاب یا اخذ اثر انگشت یا تصدیق مهر دعوت کرد. عدم حضور یا امتناع او از کتابت یا زدن انگشت یا تصدیق مهر می‌تواند قرینه صحت سند تلقی شود. مطابق ماده مذکور در دو مورد می‌تواند با شرایطی قرینه صحت واقع شود. یکی آنکه منتسب الیه با وجود دعوت حاضر نشود که در این خصوص آنچه حائز اهمیت بوده آن است که ابلاغ به طور صحیح واقع شده باشد و منتسب الیه خود از اصحاب دعوی باشد و مورد دوم اینکه شخص دعوت شونده از کتابت خودداری کند که در این خصوص نیز ضمانت اجرای ماده مذکور در صورتی قابل اعمال است که شخص دعوت شونده از اصحاب دعوی باشد.

تطبیق خط و امضا با استاد مسلم الصدور: تطبیق خط، امضا، مهر یا اثر انگشت سند مورد تعرض با اسناد مسلم الصدور رایج‌ترین راهی است که ارائه می‌شود بنابراین طرفی که باید اصالت سند یا جعلیت را اثبات کند، سند مسلم الصدوری به دادگاه ارائه می‌دهد تا حسب مورد خط، امضا، مهر یا اثر انگشت سند با آن مطابقت داده شود. اساس تطبیق ممکن است سند عادی یا رسمی باشد. آنچه مهم است مسلم الصدور بودن انتساب آن به کسی است که سند در برابر او مورد استفاده واقع شده است؛ اما چنانچه نسبت به اسناد عادی قبلاً انکار، تردید یا ادعای جعل شده باشد، دیگر خط، مهر، امضا و اثر انگشت آن اسناد نمی‌تواند اساس تطبیق قرار گیرد؛ هر چند که حکم به صحت آن نیز داده شده باشد. این موضوع در ماده ۲۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی تصریح شده است.

اگر به دنبال [کارشناس رسمی دادگستری](#) هستین برای موضوعات حقوقی پیش آمده، با کارشناسان خبره ما تماس حاصل کنید و به صورت رایگان مشاوره دریافت نمایید.